

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Investigating the Form and Application of Carafes Known as
Ashkdan in the Collection of the Metropolitan Museum
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

مطالعه فرم و کاربرد صراحی‌های موسوم به اشکدان در مجموعه
موزه متروپولیتن

عباس کریمی^۱، آرزو خانپور^{۲*}

۱. مربی، دانشکده هنرهای صناعی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
۲. استادیار، دانشکده هنرهای صناعی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۷

چکیده

بیان مسئله: شیشه‌گری سنتی ایران در دوره صفوی پس از چند دهه رکود با کمک شیشه‌گران ونیزی که توسط شاه‌عباس به ایران دعوت شده بودند، مجدداً احیا می‌شود. اشکدان‌های شیشه مجموعه صراحی‌های هستند که نمونه‌های ساخته شده آنها در دوره قاجار در اغلب موزه‌های جهان به عنوان شاخصه شیشه ایرانی شناخته می‌شود. موزه متروپولیتن مجموعه ارزشمندی از این نوع صراحی (اشکدان) متعلق به دوره قاجار را در اختیار دارد که در این مقاله به بررسی فرم و کاربرد این مجموعه پرداخته شده است.

هدف پژوهش: هدف این مقاله مطالعه فرم و کاربرد اشکدان‌های موزه متروپولیتن به منظور چپستی و چرایی ساخت آن، با طرح این پرسش است که فرم صراحی‌های موسوم به اشکدان چه کاربردی داشته و چگونه و از چه دوره‌ای در هنر شیشه ایرانی متداول شده است؟ و به بیان این فرضیه می‌پردازد که فرم اشکدان از دوره صفوی با ورود شیشه‌گران ونیزی و تأثیر آنها بر شیشه ایرانی شکل گرفته و کاربرد آن با گذر زمان، متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی هر دوره صورت‌های متفاوتی به خود می‌گیرد.
روش پژوهش: این مقاله از نظر راهبرد از نوع کیفی و از لحاظ هدف، کاربردی است که به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و داده‌های حاصل از مطالعات میدانی و مشاهدات عمیق نگارندگان به انجام رسیده است. جامعه مورد مطالعه مجموعه صراحی‌های موسوم به اشکدان متعلق به دوره قاجار است که ده نمونه از اشکدان‌های موجود در موزه متروپولیتن به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی وضعی (ترجیحی) انتخاب شده است.

نتیجه‌گیری: در نتایج حاصل از این پژوهش در پاسخ به چپستی اشکدان‌ها دریافت می‌شود که کاربرد این آثار با عنوانی که براساس فرم بدان اطلاق شده است مناسبت چندانی ندارند. ساخت صراحی‌های گردن قو با اقتباس از نمونه‌های غربی وارداتی و با کاربرد ظرف نگهداری شراب، گلاب و گل متداول می‌شود که از دوره قاجار با عنوان اشکدان با کاربرد تزیین از شاخص‌ترین آثار هنر شیشه ایرانی در جهان مورد توجه قرار می‌گیرد. فرضیه طرح‌شده مبتنی بر تأثیر شیشه‌گران ونیزی بر هنر شیشه ایرانی در این پژوهش صحیح است. فرم گردن و دهانه اشکدان‌ها تحت تأثیر آموزه شیشه‌گران ونیزی ملهم از کاترولف‌های رومی بوده و براساس توصیفات موجود از دوره صفوی متداول شده است. نمونه‌های موجود در اغلب موزه‌های جهان و به خصوص در موزه متروپولیتن متعلق به دوره قاجار است.

واژگان کلیدی: صراحی، اشکدان، بطری‌های گردن قو، اشکدان‌های قاجار، هنر شیشه قاجار.

* نویسنده مسئول: a.khanpour@tabriziau.ac.ir ۰۹۱۲۴۳۸۴۳۶۶

مقدمه و بیان مسئله

مطالعات تاریخی در حوزه تاریخ شیشه بدون اشاره به آثار شاخص هنر شیشه در ایران امری غیرممکن به شمار می‌رود. شیشه‌گری دوره اسلامی به سبب تحولات و ابداعات در این حوزه از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و فراز و نشیب‌های بسیاری را طی نموده است، به نحوی که این صنعت پس از دوره سلجوقی و با حمله مغولان به ایران دچار رکود و فراموشی می‌شود و با شروع حکومت صفوی و حمایت دربار به واسطه هنرمندان ونیزی مجدداً احیا می‌شود. در بررسی آثار شیشه اسلامی در برخی موارد با ابهامات بسیاری در محل و شیوه‌های ساخت و حتی کاربرد آنها مواجه می‌شویم. مجموعه‌ای از صراحی‌های موسوم به اشکدان^۱ از شکل‌های نمادین، معاصر و مشهور قاجار که در موزه متروپولیتن به‌عنوان شاخص هنر شیشه ایرانی شناخته می‌شود از سوی نگارندگان، موضوع بحث مقاله حاضر قرار گرفته است. اشکدان‌های موجود در این موزه از نظر کیفیت ساخت، فرم و رنگ از متنوع‌ترین و شاخص‌ترین اشکدان‌های موجود در موزه‌های جهان به‌شمار می‌رود.

نگارندگان در این پژوهش با توجه بدین مهم که تاکنون مطالعه جامع و منحصری در حوزه معرفی و تحلیل فرم و کاربرد در صراحی‌های موسوم به اشکدان صورت نگرفته است، به تحلیل فرم و کاربرد این آثار پرداخته‌اند. قابلیت‌های فرمی اشکدان توانسته در مدت کوتاهی در نمایش شیشه ایرانی به‌عنوان نماد و الگویی ارزشمند شناخته شود تا جایی که بخشی از منابع الهام ساخت آثار هنرمندان معاصر جهان همچون دیل چیپولی^۲ و لوئیس کامفورت تیفانی^۳ قرار گیرد. این امر موجب شد تا در این پژوهش نگارندگان به بررسی خاستگاه‌های فرم و کارکرد اشکدان بپردازند. در ابتدا این پرسش‌ها مطرح می‌گردد که کاربرد این نوع از صراحی چه بوده و از چه دوره‌ای به این عنوان شناخته شده است؟

در ابتدا با بررسی مجموعه‌ای از صراحی‌های موسوم به اشکدان محفوظ در موزه متروپولیتن، منابع شکل‌گیری این فرم مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس با بازخوانی فنی روش ساخت این نوع از آثار به بررسی شباهت‌های آنها با صراحی‌های هم‌عصر خود و در نهایت به بیان این مهم پرداخته می‌شود که فرم یادشده دارای چه کاربردی بوده است.

در بخش مطالعه منابع و اسناد تصویری در حوزه شیشه، پژوهشگران همواره با مشکلاتی نظیر شناسنامه‌های احتمالی آثار شیشه و عدم وجود مستندات کافی مواجه هستند. حفاری‌های غیرمجاز و مالکیت خصوصی آثار شیشه ایرانی، همواره پژوهش در این حوزه را نزد متخصصان این حوزه محدود نموده و به انزوا کشانده است.

«تاریخ‌گذاری آثار شیشه‌ای متأخر ایران کار ساده‌ای نیست؛ یکی بدان سبب که فرم‌ها و گونه‌های متداول برای مدت طولانی به حال خود باقی مانده‌اند. در میانه سده سیزدهم هجری گلاب‌پاش‌های ایرانی با گردن‌های کشیده، رگه‌دار، قوآسا و خمیده‌شان علاقه اروپاییان را به سوی خود جلب کرد و در کارگاه‌های شیشه‌سازی ایران هم فرصت پاسخگویی به تمایل اروپاییان را از دست ندادند، بدین سان سنتی که در سده دهم ه.ق. آغاز شده بود ادامه یافت. این کار بی‌شک کار تاریخ‌گذاری دقیق تولیدات شیشه‌ای ایران از سده دهم تا چهاردهم هجری را بسیار دشوار ساخته است» (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۳۰۱۵). بر این اساس می‌توان گفت ساخت اشکدان از سده دهم ه.ق. (شانزدهم م.) در ایران متداول شده است. امروزه آثاری که شاهد این ادعا باشد در موزه‌ها موجود نیست و در اغلب موارد اشکدان‌ها به اواخر دوره صفوی و اوایل دوره قاجار تعلق دارند.

نگارندگان در بخش معرفی اشکدان‌های موزه متروپولیتن شاهد شناسنامه‌های آثار با کاربرد واژه «احتمالی» بودند که عیناً در مقاله حاضر آورده شده است.

پیشینه پژوهش

در جستجویی که انجام گرفت، پژوهشی که به‌طور مستقیم با عنوان این مقاله مرتبط باشد، یافت نشد. تاکنون پژوهش جامعی در حوزه مطالعه و شناخت اشکدان‌های شیشه‌ای در ایران صورت نگرفته و اطلاعات اندک ما مربوط به اشارات کوتاه منابع لاتین است. نمونه‌های آثار مربوطه نیز اغلب در موزه‌ها و مجموعه‌های هنر اسلامی نگهداری می‌شود.

فقدان منابع کافی و مستند در مباحث تاریخ شیشه و عدم قطعیت شناسنامه‌های آثار موجود در موزه‌ها همواره از اصلی‌ترین مشکلات پژوهشگران این حوزه به شمار می‌آید که در این پژوهش نیز به وضوح مشهود بود. در روند گردآوری و مطالعه منابع موجود، نگارندگان با محدودیت در منابع چاپ‌شده فارسی و لاتین مواجه بودند و در اغلب موارد اشارات کوتاه و مختصری در این حوزه آمده بود.

سیدنی ام گلدشتاین^۴ (۱۳۸۷) در کتاب «کارهای شیشه» کارکرد و خاستگاه‌های فرمی این آثار را به تفصیل شرح داده است که در این مقاله مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

استفانو کاربونی^۵ و همکاران (Carboni, Lynn, Goldstein, Knudsen & Page, 2006) بیان داشته‌اند که اشکدان‌ها جزو صراحی‌های معمول در دوره صفوی بوده است.

هیو تایت^۶ (Tait, 1991) در کتاب «پنج هزار سال تاریخ شیشه» علاوه بر معرفی نمونه آثار معروف به اشکدان، توضیح مختصری نیز در خصوص کاربرد این آثار آورده است. شینجی فوکایی^۸ (۱۳۷۱) در کتاب «شیشه ایران» صرفاً با

از سوی پادشاهان صفوی علاوه بر اعتباربخشی به حکومت صفوی در رشد انواع هنرها تأثیر بسزایی گذاشت. پادشاهان دوره صفوی با به خدمتگرفتن هنرمندان کشورهایی از قبیل چین و قاره اروپا درصدد احیای هنرهای ایران برآمدند. شاه‌عباس صفوی (۱۵۸۷-۱۶۲۹م.) در دوران حکومت خود شرایطی را برای شیشه‌گری مهیا نمود که این پیشه مجدداً دوران اوج خود را طی کند. «توجه و علاقه وی به پیشرفت صنعت و تشویق صنعت‌گران، موجب شد تا شیشه‌گری در ایران تجدید حیات کند و این بار شهر شیراز مرکز ساخت و تولید شیشه قرار گرفت. شیشه‌گران این دوران صرفنظر از به‌کارگرفتن انواع روش‌های تزئینی شناخته‌شده چون قالب و تراش و افزودن نوار، هنر نقاشی را نیز به یاری طلبیدند و خالق آثار باشکوهی در این صنعت گشتند» (علی اکبرزاده کرد مهینی، ۱۳۷۳، ۳۲).

در توصیف وضعیت هنر شیشه‌گری و احیاء آن توسط پادشاهان صفوی، جهانگردان و سیاحان بسیاری در سفرنامه‌ها و متون خود اشاراتی نموده‌اند. جان شاردن^۹ - سیاح فرانسوی - در شرح سیاحت‌ها و تجربیات خود در ایران طی سال‌های ۱۰۷۷ تا ۱۰۸۱ و ضمن رجوع به این موضوع که ایرانیان در صنعت شیشه‌گری به توفیق قابل ذکری دست نیافته بودند می‌نویسد: «در سراسر ایران کارخانه‌های شیشه‌گری وجود دارد ولی مصنوعاتشان اغلب مودار و ناتمیز، پر از حباب و چرک و کثافات خاکستری هست. این موضوع بدون هیچ‌گونه شک و گمان معلول آن است که آتش کوره‌هایشان فقط سه یا چهار روزی دوام می‌کند و یک قسم گیاهی که به نام درمنه در آتش کوره به کار می‌بردند به‌قدر کارخانه‌های اروپایی حرارت ندارد. شیشه شیراز ظریف‌ترین مصنوع کشور به شمار می‌رود و بالعکس ساخت اصفهان زشت‌ترین محصولات ایران است. زیرا مصنوعات این شهر، فقط شیشه‌های شکسته است که از نو ذوب می‌شود. از عمر صنعت شیشه‌سازی در ایران هشتاد سال نمی‌گذرد. یک مرد نادار و پست ایتالیایی این فن را در شیراز در مقابل پنجاه اکو به ایرانیان فروخت» (شاردن، ۱۳۳۶، ۳۵۰).

همچنین «وولف»^{۱۰} نیز در ستایش شیشه شیراز در مقایسه با شیشه تولیدشده در اصفهان تأکید کرده است که «شیشه‌گر اصفهانی فقط شیشه شکسته‌ها را دوباره آب می‌کند، در صورتی که شیشه‌گر شیرازی شیشه نو می‌سازد. با اینکه شاه‌عباس بزرگ کوشش کرد که شیشه‌سازی را به‌وسیله هنرمندان ونیزی بار دیگر احیا کند ولی شیشه‌گران در سده‌های بعد فقط شیشه معمولی مورد نیاز محل خود را تهیه می‌کردند» (وولف، ۱۳۸۸، ۱۵۳). علاوه بر شاردن و وولف، ر. دبلیو. فریه^{۱۱} نیز در کتاب

ارائه نمونه‌ای از این آثار توضیح مختصری از وضعیت هنر شیشه در دوره صفوی آورده است. همچنین در منابع دیگری نظیر «هنر شیشه، موزه هنر تولدو» (Page, Carboni & Alcorn, 2006, 2006)، «شیشه» (Ruth Hurst, 1975) این آثار را اغلب با عنوان گلاب‌پاش معرفی نموده و توضیح بیشتری در حوزه کارکرد و ریشه‌های شکل‌گیری فرم این آثار بیان نشده است. موضوع یکسانی که در همه این منابع مشاهده می‌شود، عدم اطلاع کافی از کاربری و موارد استفاده این آثار است. در مطالعه کاربری این آثار اغلب حدس و گمان‌هایی آورده و در نهایت وجه اسطوره‌ای و نمادین این فرم مورد توجه قرار می‌گیرد.

روش پژوهش

این مقاله از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای، میدانی و بر پایه تحلیل منطقی و بصری نویسندگان استوار است. در بخش کتابخانه‌ای از ابزار فیش و در بخش میدانی از روش مشاهده مجازی و ثبت آثار استفاده شده است. همچنین جهت مطالعه دقیق و کاربردی، در بخشی از این پژوهش در یکی از کارخانه‌های شیشه‌گری سنتی در تهران اقدام به ساخت نمونه‌ای از فرم اشکدان شده است تا امکان تطبیق و مشاهده تشابهات آن با صراحی در روند ساخت با تحلیل‌های شخصی نویسندگان مورد مطالعه قرار گیرد.

در این پژوهش ۱۰ نمونه از صراحی‌های معروف به اشکدان از مجموعه آثار هنر شیشه در موزه متروپولیتن با روش نمونه‌گیری غیراحتمالی وضعی (ترجیحی) انتخاب شدند که علاوه بر تطبیق فرم و محتوا به بررسی نظرات متفاوت و تحلیل‌های فنی و کارکردی این آثار نیز پرداخته شده است. تصاویر استفاده‌شده در این پژوهش به علت عدم دسترسی مستقیم به آثار موزه متروپولیتن اغلب از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی (سایت موزه) است.

شیشه‌گری در دوره صفوی

هنر شیشه‌گری از جمله هنرهای سنتی است که در دوره‌های مختلف تاریخ تحت تأثیر ضعف و قدرت حکومت‌ها فراز و نشیب‌های بسیاری را طی نموده است. این امر با مطالعه تاریخ دوره مغول و دوران پادشاهان صفوی به راحتی قابل اثبات است. «به دنبال حمله مغول در قرن سیزدهم میلادی (قرن هفتم ه.ق.) و فتح و غلبه طولانی ایشان بر ایران، سفالگری در فلات ایران رشد نمود، ولی شیشه‌گری به‌طور محسوسی رو به زوال گذاشت» (فوکایی، ۱۳۷۱، ۹۹). اما با گذشت چند قرن، هنردوستی و ارج‌نهادن به مقام هنرمند

شیشه‌گران جزیره مورانو در ونیز دست به آشوب زده و شهر ممنوعه شیشه را ترک گفته بودند. اینان در کشورهای دیگر در پی یافتن محلی برای زندگی و تنها پیشه‌شان شیشه‌گری بودند. حمایت دربار صفوی از ورود این هنرمندان موجب ایجاد تحول و گسترش شیشه‌گری در شهرهای ایران به‌خصوص شیراز می‌شود. شیراز در این دوره مهد شیشه‌گری ایران بوده و اغلب آثار شیشه‌ای از جمله صراحی‌های معروف به اشکدان که مبحث اصلی مقاله حاضر است متعلق به این شهر است. بنا به گفته شاردن این صنعت در عهد صفوی شکوفا شد که مرکز عمده شیشه‌گری ایران در عهد صفوی شهرهای اصفهان، شیراز و کاشان بود و بهترین ظروف شیشه‌ای از نظر کیفیت در شیراز تولید می‌شد.

از دیگر عوامل اصلی تأثیر ونیزی‌ها بر شیوه‌های ساخت شیشه در ایران می‌توان به روند توسعه واردات شیشه‌های ونیزی اشاره نمود. «از اواخر قرن شانزدهم ظروف شیشه‌ای ونیز، مهره‌ها، آینه‌ها، شیشه‌های پنجره و عینک به ایران ارسال می‌شدند. فرم و روش‌های ساخت شیشه ایرانی تا قرن نوزدهم متأثر از شیشه‌های اروپایی است» (Jenkins, 1986, 50). متداول بودن شیشه‌های وارداتی ونیز، زمینه‌های تأثیرپذیری از فرم و شیوه‌های ساخت و تزئین این آثار را گسترش می‌داد. «در خصوص شیشه‌های متداول در دوران عثمانی قبل از قرن هجدهم می‌توان به صورت حساب یک تاجر ونیزی در قسطنطنیه اشاره نمود که در نیمه دوم قرن پانزدهم سفارش ۲۵۰۰ شیشه از ونیز را ثبت نموده است» (ibid., 49).

صراحی‌های موسوم به اشکدان

اشکدان‌ها نوعی صراحی هستند که بر اساس مستندات یادشده نخستین بار در این دوره صفوی ساخته شدند و در دوره قاجار به عنوان شاخصه هنر شیشه ایرانی در سراسر جهان شناخته شدند. «این نوع ظروف از نمونه‌های ویژه شیشه‌های تولیدشده در دوره صفویه است که بیشتر در شهر شیراز تولید می‌شد. شاید یکی از دلایل تولید اشکدان در دوره صفوی رابطه با کشورهای غربی بوده زیرا تا قبل از این دوره این نوع ظروف در ایران تولید نشده است» (گلدشتاین، ۱۳۸۷، ۱۸۳).

مؤلفه‌های متعددی در ساخت این نوع از صراحی‌ها در دوره صفوی نقش داشتند که حضور ونیزی‌ها در ایران و آموزش فنون شیشه‌گری به هنرمندان ایرانی و تأثیر آنان در ساخت ظروف غیر قابل انکار است. تأثیر مهارت استادکار و کیفیت مواد مذاب شیشه که در منابع متعدد ذکر شده از عواملی هستند که در کیفیت ساخت اشکدان تأثیر مستقیم داشته‌اند.

«هنرهای ایران» در وصف تولیدات شیشه شیراز می‌نویسد: «در میان گروهی اهل فن این اتفاق نظر حاصل شده که شیشه شیراز غالباً شفاف و بی‌رنگ بوده و بسیاری لیوان‌ها و بطری‌های ساخت شیراز که از آن زمان برجای مانده‌اند واجد همین ویژگی‌ها هستند، از جمله شماری از بطری‌های گردن‌بلند و گلاب‌پاش‌های گردن‌غازی با بدنه‌های قالب دمیده و سوار روی پایه‌ای متشکل از دایره‌ای پهن و ساقه کوتاهی با دو قبه. گلاب‌پاش‌هایی با این ریخت در میان ظروف مخصوص ضیافت‌ها به کار می‌رفته است» (فریه، ۱۳۷۴، ۳۰۵).

در هرکدام از این منابع علاوه بر کیفیت مطلوب شیشه‌های تولیدشده در شیراز، اشاراتی به حضور شیشه‌گران ونیزی در ایران شده است. دیگر محققان و نویسندگان با جزئیات بیشتر حضور شیشه‌گران ونیزی را تصدیق کرده‌اند. به عنوان مثال استفانو کاربونی و گروه نگارندگان در کتاب هنر شیشه بر این اتفاق نظر دارند که: «صنعت شیشه در سراسر جهان اسلام به همان اندازه که تحت شرایط بد اقتصادی و عدم تقاضا کاهش یافت و متوقف شد، در اروپا این هنر و صنعت عمدتاً در ونیز در قرن پانزدهم و شانزدهم رشد و گسترش یافت. منابع و اطلاعات موجود از تولید شیشه در اواخر دوره عثمانی در استانبول در قرن ۱۶ تا ۱۷ م. و واردات شیشه‌های ونیزی در همین دوره این مسئله را به‌خوبی اثبات می‌کند. در قرن ۱۷ م. در ایران که تحت حکومت سلسله پادشاهی صفوی بود به نظر می‌رسد صنعت شیشه‌گری توسط شیشه‌گران طمع‌کار ونیزی که از شهر ممنوعه کار ونیز (جزیره مورانو) خارج شده بودند در شهرهای شیراز و اصفهان مجدداً احیا شد. آنها این صنعت را با ارزش و کیفیت هنری پایین‌تری به شیشه‌گران سنتی آموزش دادند» (Carboni et al., 2006, 71). فریه در کتاب «هنر ایران» می‌نویسد: «ساخته‌های شیشه‌ای قرن‌های ۱۶ تا ۱۷ میلادی بی‌تردید صنعت خود ایران بوده و از سبک‌های هنری‌ای که برخی از صنعت‌گران شیشه که از شهر ونیز آمده بودند، با خود آوردند، تأثیر پذیرفته است. این آثار دارای رنگ‌های زیبا هستند که منحصر به ایران است» (فریه، ۱۳۷۴، ۲۳۲). «شینجی فوکایی» نیز در کتاب «شیشه ایرانی» می‌نویسد: «در عهد شاه‌عباس اول روابط ایران با کشورهای اروپایی توسعه یافت. در زمان وی اروپاییان به دربار ایران راه یافتند و همین امر موجب آشنایی ایرانیان با صنایع خارجی گردید. شیشه‌گری نیز که تقریباً صنعتی فراموش شده بود توسط یک ایتالیایی در شیراز در مقابل پول آموزش داده شد و به این ترتیب این هنر مجدداً احیا گردید» (فوکایی، ۱۳۷۱، ۱۰۱).

این دوره در تاریخ شیشه اروپا مصادف با دوره‌ای است که

اشک مانند تشکیل شده‌اند (جدول ۲). بدنه اصلی اشکدان‌ها معمولاً دارای کف یا پایه‌ای است که باعث ایستایی این نوع صراحی می‌شود. این شیوه از کف‌گذاری در آثار ونیزی نیز وجود دارد که در ادامه بدان اشاره می‌شود.

دهانه اشک‌مانند در همه نمونه‌ها با استفاده از انبر شیشه‌گری توسط هنرمند شیشه‌گر کشیده و حالت اشک‌مانند یافته است که در ادامه به نحوه ساخت آن اشاره خواهد شد. گردن پیچ‌خورده اشکدان - که در بسیاری از منابع این فرم با عنوان بطری‌های گردن قو شهرت دارد - از متمایزترین ویژگی‌های این فرم نسبت به فرم‌های مشابه پیشین و هم‌عصر خود است. در یک نمونه از اشکدان‌های بررسی‌شده از نوارهای افزوده شیشه - تزئینات شیشه در حالت گرم - برای تزئین استفاده شده است در نمونه ۷ (جدول ۱). نوع و فرم انحناهای گردن اشکدان علاوه بر زیبایی و متمایز نمودن اثر نهایی، رابطه مستقیمی با مهارت هنرمند و کیفیت مواد اولیه شیشه دارد.

تزئینات ایجادشده در اشکدان در نمونه ۲ جدول ۱ با استفاده از «قالب موج هزارتو» صورت گرفته است که تا پیش از این در ساخت آثار شیشه ایرانی متداول نبوده است. تزئین ایجادشده بر روی نمونه‌های ۷، ۸ و ۱۰ با استفاده از قالب در مرحله ساخت بدنه اصلی صورت گرفته است.

در هفت نمونه از آثار بررسی‌شده در بخش بدنه اصلی، ایستایی اثر توسط کفه برآمده از اشکدان ایجاد شده است و در سه اشکدان دیگر کف‌گذاری صورت نگرفته است. در کف‌گذاری اشکدان همچون فرم‌های رایج در دوره صفوی و قاجار از تورفتگی کف ظرف برای تأکید بر ایستایی اثر بهره گرفته شده است که در تصاویر قابل مشاهده است (جدول ۲).

• **مشابهت‌های فرمی و فنی:** شیشه‌گری «در زمان سلطنت شاه‌عباس بزرگ توسط شیشه‌گران ایتالیایی که به این کشور آمده بودند از طریق آموزش این صنعت مجدداً احیا گشت، از این رو عجیب نیست که شیشه‌های این دوره شبیه شیشه‌های دوران پس از رنسانس و باروک باشد» (Ruth Hurst, 1975, 47). از این رو منابع الهام این فرم را باید در آثار اروپایی و خصوصاً در ایتالیا و شهر ونیز جستجو کرد.

سیدنی‌ام گلدشتاین در کتاب «کارهای شیشه» در مورد فرم اشکدان‌ها می‌نویسد: «محققان اشکدان را در گروه شیشه‌های گردن قو قرار می‌دهند. گردن در این ظروف به فرم S یا Z و دهانه آنها در محور عمودی شکل گرفته است. برخی نمونه‌های این گروه، کفه صاف، قاعده‌ای بلند و قبه‌دار و پایه‌ای پهن دارند. برخی دیگر بر پایه‌ای حلقوی و فرورفته استوارند. فرم این ظروف احتمالاً اقتباسی از ظروف آلمانی

در ادامه ده نمونه از اشکدان‌هایی که در موزه متروپولیتن نگهداری می‌شود، مورد بررسی قرار گرفته که در جدول ۱ این نمونه‌ها با ذکر مشخصات دقیق آمده است.

در توضیح کوتاهی، یکی از مسئولان موزه متروپولیتن در کتاب «شاهکارهای هنر اسلامی» در این موزه آورده است: «تاریخ‌گذاری صراحی‌های گردن قو چالش‌برانگیز است. شیشه‌سازی در ایران دارای سابقه طولانی متعلق به دوران پیش از اسلام است. در دوره صفویه و در زمان حکومت شاه عباس اول (۱۵۸۷-۱۶۲۹ میلادی) سیاحان خارجی به احیای روش‌های شیشه‌گری در شیراز و اصفهان توسط ونیزیان اشاره نموده‌اند. در این دوره واردات شیشه با کیفیت بالا از ونیز صورت می‌گرفت که علاوه بر تأمین تقاضاهای موجود، موجب تأثیر بر تولیدات شیشه محلی با کیفیت پایین گردید. تصاویر موجود در نگاره‌ها و نقاشی‌های دیواری دوره صفویه مملو از شیشه‌های ظریف با گردن‌های باریک است که غالباً از شراب یا نوشیدنی پر است. تشخیص وارداتی بودن یا تولید محلی این شیشه‌ها دشوار است. در قرن هجدهم و نوزدهم میلادی بطری‌های گردن قو برای نگهداری شراب، عطر و گلاب در شیراز تولید می‌شد. شواهد همزمان اسناد تاریخی و آثار شیشه ایرانی که در دوره‌های بعدی تولید شده است، موزه را یاری رسانده که این بطری‌های گردن قو را به شیراز قرن نوزدهم نسبت دهیم» (Ekhtiar, 2011, 280).

طبق این مستند اطلاعات زمانی این مجموعه آثار بر اساس شناسنامه‌های موجود در موزه متروپولیتن چندان دقیق نیست و محققان، این آثار را به صورت احتمالی متعلق به قرن ۱۸ تا ۱۹ میلادی در هنر شیشه‌گری ایران می‌دانند. در مطالعه و طبقه‌بندی این آثار به مؤلفه‌های ظاهری آنها از جمله رنگ، ابعاد و کیفیت ساخت می‌توان اشاره نمود. اشکدان‌های ساخته‌شده اغلب به رنگ‌های آبی فیروزه‌ای، آبی لاجوردی، عسلی و بی‌رنگ هستند. با بررسی فنی این آثار می‌توان این ادعا را مطرح کرد که کیفیت مذاب شیشه در شکل‌دهی نهایی اثر بی‌تأثیر نبوده است.

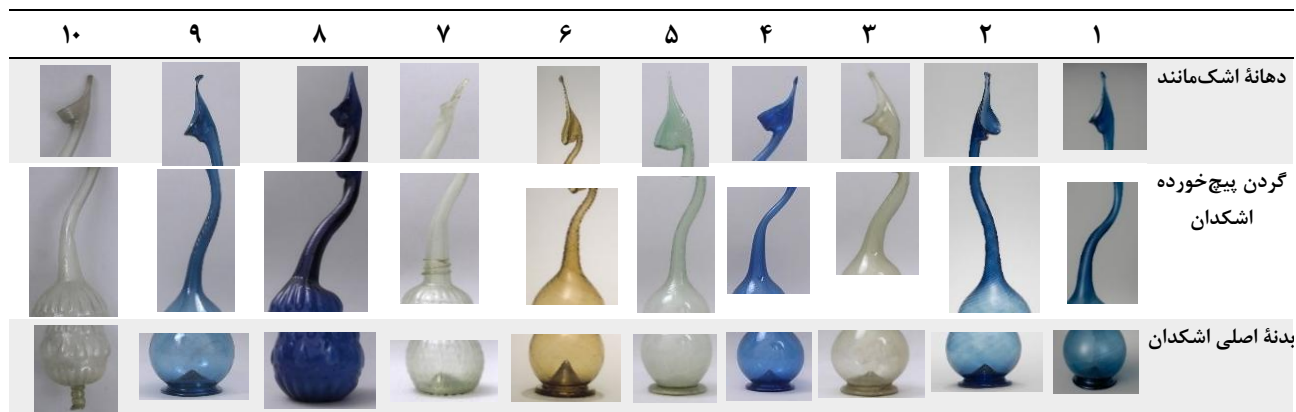
جستجوی ریشه‌های فرمی، فنی و محتوایی در صراحی‌های موسوم به اشکدان

در این بخش به خاستگاه‌ها و منابع مؤثر فرمی، فنی و معنایی در ساخت صراحی‌های موسوم به اشکدان شرح داده می‌شود. در منابع و مستندات موجود این نوع از صراحی‌ها را با عنوان «تنگ‌های گردن قو» معرفی نموده‌اند. محبوب‌ترین و متداول‌ترین رنگ در ساخت اشکدان توسط شیشه‌گران شیراز در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی آبی لاجوردی بوده است. اشکدان‌ها به لحاظ فرمی دارای چند بخش متمایز هستند. این ظروف از سه بخش بدنه اصلی، گردن پیچ‌خورده و دهانه

جدول ۱. بررسی ده نمونه از صراحی‌های موسوم به اشکدان در موزه متروپولیتن. مأخذ: نگارندگان برگرفته از www.metmuseum.org.

مشخصات اثر	تصویر اثر	مشخصات اثر	تصویر اثر
۲. بطری گردن قو (اشکدان)، قرن ۱۹ میلادی، شیراز ارتفاع ۳۸/۱ سانتیمتر، قطر ۱۱ سانتیمتر. اهدایی جی. پیرپونت مورگان، ۱۹۱۷ شماره ثبت: ۱۷،۱۹۰،۸۲۹		۱. بطری گردن قو (اشکدان)، قرن ۱۸ یا ۱۹ میلادی، ایران ارتفاع ۳۸/۴ سانتیمتر، قطر ۱۱/۲ سانتیمتر. اهدایی مجموعه ادوارد سی مور، ۱۸۹۱ شماره ثبت: ۹۱،۱،۱۵۵۹	
۴. بطری گردن قو (اشکدان)، قرن ۱۸ یا ۱۹ میلادی، ایران. ارتفاع ۳۵/۹ سانتیمتر، قطر ۱۱/۵ سانتیمتر. اهدایی مجموعه آنه پینه بلومنتال، ۱۹۵۶ شماره ثبت: ۵۶،۱۴۹		۳. بطری گردن قو (اشکدان)، قرن ۱۸ یا ۱۹ میلادی، ایران. ارتفاع ۳۲/۴ سانتیمتر، قطر ۱۱ سانتیمتر. اهدایی مجموعه ادوارد سی مور، ۱۸۹۱ شماره ثبت: ۹۱،۱،۱۵۵۸	
۶. بطری گردن قو (اشکدان)، قرن ۱۹ میلادی، ایران، احتمالاً شیراز. ارتفاع ۳۴/۹ سانتیمتر، قطر ۱۱/۶ سانتیمتر. اهدایی مجموعه ادوارد سی مور، ۱۸۹۱ شماره ثبت: ۹۱،۱،۱۵۷۷		۵. بطری گردن قو (اشکدان)، قرن ۱۹ میلادی، احتمالاً ایران. ارتفاع ۳۸/۷ سانتیمتر، قطر ۱۱/۶ سانتیمتر. اهدایی هنری جی مارکند، ۱۸۸۳ شماره ثبت: ۸۳،۷،۲۵۵	
۸. بطری گردن قو (اشکدان)، قرن ۱۸ یا ۱۹ میلادی، ایران ارتفاع ۲۳/۵ سانتیمتر، قطر ۷/۷ سانتیمتر. اهدایی مجموعه ادوارد سی مور، ۱۸۹۱ شماره ثبت: ۹۱،۱،۱۵۹۴		۷. بطری گردن قو (اشکدان)، بدنه دمیده در قالب، قرن ۱۸ یا ۱۹ میلادی، ایران ارتفاع ۳۰/۸ سانتیمتر، قطر ۱۱/۴ سانتیمتر. اهدایی مجموعه ادوارد سی مور، ۱۸۹۱ شماره ثبت: ۹۱،۱،۱۵۴۹	
۱۰. بطری، قرن ۱۸ یا ۱۹ میلادی، احتمالاً ایران ارتفاع ۴۱/۸ سانتیمتر، قطر ۱۲/۲ سانتیمتر اهدایی مجموعه ادوارد سی مور، ۱۸۹۱ شماره ثبت: ۹۱،۱،۱۵۷۶		۹. بطری گردن قو (اشکدان)، احتمالاً قرن ۱۸ یا ۱۹ میلادی، ایران. ارتفاع ۳۹/۸ سانتیمتر، قطر ۱۱/۶ اهدایی جی. پیرپونت مورگان، ۱۹۱۷ شماره ثبت: ۱۷،۱۹۰،۸۲۸	

جدول ۲. تقسیم‌بندی فرمی در صراحی‌های موسوم به اشکدان. مأخذ: نگارندگان.



بهبود ایستایی و تسهیل فرایند ساخت است. این مشابهت در فرم کف اشکدان‌ها نیز مشاهده می‌شود (جدول ۴).

تصاویر ارائه شده در جدول ۵ نمونه مشابهت صراحی با اشکدان‌هایی را نمایش می‌دهد که همگی در شهر شیراز در قرن ۱۹ میلادی ساخته شده‌اند. شباهت فرمی این دو نوع ظروف در تصاویر مشهود است. در پی جستجوی مشابهت‌های فرمی اشکدان‌ها با سایر آثار شیشه ایرانی هم‌عصر خود و مطالعه کوتاهی بر انواع صراحی درمی‌یابیم که فرم اصلی اشکدان‌ها در ابتدا با گردن صاف و دهانه گرد در ایران ساخته شده است.

• **بررسی فنی در ساخت و تزیین اشکدان:** اغلب تزیینات روی اشکدان‌ها به‌صورت تزیینات گرم بوده و به هیچ‌وجه از سایر تزیینات نظیر نقاشی و تراش استفاده نمی‌گردد. تزیین روی اشکدان در حالت گرم با استفاده از نوارهای افزوده و قالب موج بر روی شیشه ایجاد می‌شود. «چند بطری مربوط به دوره صفوی از این نوع به‌صورت قالبی و با تزیین هستند و یا در برخی موارد بدنه آنها در قالب موج دمیده شده و شیارهای موج دارند. در بسیاری از موارد نیز بدون تزیین هستند» (Alkhemir, 2014, 135). سادگی و عدم استفاده از تزیینات زیاد از دیگر مواردی است که تأثیر شیشه‌گری ونیزی را در این آثار تأیید می‌نماید. بجز در جدول ۱ (نمونه‌های ۷ و ۸ و ۱۰) که در بدنه اصلی آن از نقوش قالبی در تزیین بهره گرفته شده، در سایر آثار این تزیین به ایجاد موج‌های بسیار سطحی بر بدنه اشکدان بسنده شده است.

در همه نمونه‌ها جز در جدول ۱ (نمونه‌های ۷ و ۸) همه دارای کف هستند و در نمونه ۱۰ از کف ساقه‌دار استفاده شده که بخشی از کف شکسته است. در همه نمونه‌ها در کف ظرف هنگام ساخت تورفتگی ایجاد شده است که پیشتر به مشابهت‌های آنها با نمونه‌های کارترولف‌ها اشاره شد.

موسوم به کاترولف Kuttrolf (برگرفته از Guiturnium لاتین باستان) است. ظروف مذکور اغلب با داشتن گردن مرکب از دو یا سه لوله به‌هم‌پیچیده لزوماً جهت نوشیدن قطره‌قطره ساخته نمی‌شده‌اند و ظروف ونیزی مشهور به inghistere یا Anghistere (مانند Angster آلمانی برگرفته از لاتین باستان به مفهوم باریک) نیز این فرم را با دهانه‌ای به فرم چشم‌شوی تلفیق کرده که معمولاً یک گردن منفرد دارد و چیزی شبیه ظرف ونیزی قرن ۱۶ از نوع Anghstera است که هم‌اینک در موزه بریتانیا واقع در لندن نگهداری می‌شود» (گلداشتاین، ۱۲۸۷، ۱۸۳). کاترولف‌ها یا آنقسترا به مجموعه‌ای از ظروف مخصوص نوشیدنی اطلاق می‌شود که در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی ساختشان در آلمان و ایتالیا مرسوم بوده است. با بررسی نمونه کاترولف‌های آلمانی در جدول ۳ متوجه می‌شویم که انحناى گردن، دهانه و فرم کلی این نوع صراحی شباهت‌های بسیاری با ظروف کاترولف یا آنقسترا (نمونه‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳) دارد. این آثار را به جهت تأثیر فرمی از شیشه‌های ونیزی آثار «سبک ونیزی»^{۱۲} می‌نامند. «شیشه‌ای که به تقلید از محصولات ونیزی، در مراکز دیگری به غیر از خود ونیز ساخته می‌شود را شیشه‌های سبک ونیزی می‌نامند. شیشه‌های سبک ونیزی در قرن‌های ۱۶ و ۱۷ در بسیاری از مناطق اروپا محبوب بود» (FAÇON DE VENISE, n.d).

اشکدان‌ها در بخش گردن بلند و دهانه اشک‌مانند آن شبیه فرم کاترولف‌های ونیزی (جدول ۴) است. با مطالعه فرم کاترولف یا آنقسترا که در قرن ۱۶ میلادی در آلمان و ایتالیا رواج داشته است، می‌توان به تأثیرات فرمی اشکدان‌ها از آنها که به واسطه حضور هنرمندان ونیزی صورت می‌گیرد پی برد. این تأثیر بیشتر در پیچش گردن ظرف و شکل دهانه بوده است. در قسمت کف کاترولف‌ها تورفتگی وجود دارد که برای

جدول ۳. بررسی فرم ظروف کاترولف یا آنقسترا مربوط به قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی. مأخذ: نگارندگان.

مشخصات اثر	تصویر اثر	مشخصات اثر	تصویر اثر
۱۲. ظرف کاترولف، تزیین شده با نوارهای افزوده شیرین رنگ، قرن ۱۷ میلادی، آلمان، سبک ونیز (Charleston, Fisher & Michael, 1990, 1990, 101)		۱۱. طرح ظرف کاترولف، قرن ۱۶ میلادی، آلمان، ارتفاع ۱۷ سانتیمتر، سبک ونیز (Ruth Hurst, 1975, 29)	
۱۴. بطری کاترولف (آنقسترا)، قرن ۱۶ میلادی، ونیز (Mariacher, 1959, 56)		۱۳. بطری کاترولف، قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی، ونیز شماره ثبت: Cl. VI n. ۰۰۵۵۰. مأخذ: www.musecivici.modena.it	

جدول ۴. مشابهت‌های فرمی کاترولف و اشکدان. مأخذ: نگارندگان.

مشابهت	اشکدان	نمونه ونیزی
مشابهت در چرخش گردن اشکدان و کاترولف سبک ونیز مشابهت در تورفتگی کف اشکدان با کاترولف سبک ونیز	  	
مشابهت در فرم دهانه اشکدان با اینقسترای ونیزی مشابهت در استفاده از قالب موج هزارتو در اشکدان و اینقسترای ونیزی	 	



اشکدان، قرن ۱۹ میلادی، شیراز



صراحی، قرن ۱۹ میلادی، شیراز

مشابهت‌های فرمی صراحی‌ها و اشکدان‌های قرن ۱۹ میلادی در ایران

مشابهت در فرم و خصوصاً فرم بخش تنه اصلی

شباهت در تناسب اندازه و ابعاد

صراحی و اشکدان

مشابهت در استفاده از رنگ‌های

شفاف و روحی

تشابه در نوع کف‌گذاری و تورفتگی کف

مشابهت در محل ساخت آثار



صراحی، قرن ۱۹ میلادی، شیراز



صراحی، قرن ۱۹ میلادی، شیراز

تصویر ۱. مشابهت‌های فرمی صراحی و اشکدان. مأخذ: www.metmuseum.org

این ویژگی در صراحی‌های هم‌عصر اشکدان‌ها در ایران نیز متداول بوده است.

براساس مطالعات فنی و بازسازی یک نمونه از اشکدان‌ها، می‌توان اینگونه مدعی شد که شیوه ساخت اشکدان تشابه بسیاری با ساخت صراحی‌های معمول در دوره صفوی دارد.

در تصویر ۲ مراحل ساخت صراحی و اشکدان توسط نگارندگان در فضای کارخانه‌های شیشه‌گری سنتی نمایش داده شده است که در تمام مراحل کاملاً مشابهت دارد و فقط در ساخت اشکدان، مرحله نهایی به آن افزوده می‌شود. در این مرحله گردن ظرف مجدداً گرم و با استفاده از ابزار فرم داده و در نهایت دهانه فرم اشک را می‌گیرد.

• **مطالعه کارکردی:** افسانه‌های عاشقانه بسیاری در مورد کاربرد این فرم محبوب و خاص شیشه ایرانی وجود دارد. فرم اشکدان شبیه صراحی است که معمولاً آبی‌رنگ با گردن بلند، باریک، با انحنايي تأکید شده و با دهانه‌ای باز که شبیه یک قطره اشک است که به سمت پایین حرکت صعودی دارد.

آرتور پوپ کاربرد این آثار را صراحی شراب و گلدان تک گل

دانسته است. «در شیراز صراحی‌های شراب با گردن بلند ماریچج گاهی با کاربرد گلدان برای تک گل و نقش‌های ساده چون ابزارکاری‌های راست یا زیگزاگی اجرا شده‌اند. سیاحان در سال ۱۶۶۰ میلادی از واردات انواع شیشه‌های مصری از ونیز و فرانسه به ایران خبر داده‌اند. اینان به نکوهش شیشه‌گر ونیزی که شیوه‌های ساخت شیشه را در ازای مقدار اندکی پول به ایرانیان آموخته پرداخته‌اند» (پوپ و اکرمین، ۱۳۸۷، ۳۰۱۵).

«این ظروف به حتم در مرکز و جنوب ایران از اواخر قرن هفدهم تا قرن نوزدهم ساخته شده است. به‌یقین فرم این ظروف برگرفته از شیشه‌گری سنتی ونیزی است که در قرن ۱۷ میلادی توسط شیشه‌گران ونیزی به شیشه‌گران سنتی ایرانی آموزش داده شده یا اینکه این فرم در یک فرایند ساخت سنتی به مرور زمان شکل گرفته است. امروزه این فرم در بین خانواده‌های ایرانی بسیار محبوب است» (Carboni et al., 2006, 71).

اشکدان به عنوان یکی از نمونه‌های شاخص هنر شیشه ایرانی شناخته شده است که بسیاری از پژوهشگران بر این باورند از



۱. ساخت گوی اول

۲. برداشت گوی دوم

۳. قاشقی کردن



۴. گردن دادن با انبر

۵. بریدن دهانه با قیچی

۶. گذاشتن کف



۷. واگیره کردن

۸. شکل دادن دهانه

۹. تاب خوردن گردن صراحی با حرارت مجدد



۱. ساخت گوی اول

۲. برداشت گوی دوم

۳. قاشقی کردن

تصویر ۲. مراحل ساخت صراحی‌های معروف به اشکدان توسط نگارندگان در کارخانه شیشه الوان بلور تهران. مأخذ: نگارندگان.

سیدنی ام گلدشتاین درباره نام‌گذاری اشکدان در کتاب «مجموعه کارهای شیشه» آورده است: «این نام‌گذاری شاید به واسطه فرم کاسه‌ای خاص باشد که در هر حال دورادور چشم را فرا نمی‌گیرد و به سختی چنین شرایطی را می‌پذیرد لذا این نام‌گذاری فرضی و خیالی است» (گلدشتاین، ۱۳۸۷، ۱۸۳).

صادق هدایت در کتاب «توپ مرواری» اشاره‌ای به کاربرد این ظروف در دوره قاجار و پهلوی دارد و می‌نویسد که «... مؤمنین دو آتیشه، شیشه اشکدان داشتند و اشکی که در مجالس روضه‌خوانی برای اولاد علی می‌ریختند در آن جمع می‌کردند و بعد از مرگ این شیشه‌ها را داخل قبرشان می‌گذاشتند» (هدایت، ۱۳۵۸، ۱۱۲).

پژوهشگران کاربرد ظرف اشک را برای این نوع ظروف در نظر گرفته و نام اشکدان را برای آن استفاده نموده‌اند. این کاربرد کاملاً دور از واقعیت است، چرا که از نظر علمی، اشک چشم در فاصله چند دقیقه در هر شرایطی بخار می‌شود. با توجه به مدارک موجود و نمونه‌های مشابه در کشورهای

دلایل شهرت و اهمیت این فرم، وجود افسانه‌های عاشقانه در کاربرد این صراحی است. این شهرت بدان حد است که دیل چیپولی -هنرمند شیشه معاصر- از فرم اشکدان برای ساخت برخی آثار خود الهام گرفته است (ibid, 71). استفانو کاربونی در اثبات این امر که کاربرد این فرم بر اساس مشخصات مندرج کاربرد گلاب‌پاش نداشته است، می‌نویسد: «به دلیل نداشتن دسته و لوله از آن به سختی می‌توان به عنوان آب‌پاش، گلاب‌پاش یا تنگ نام برد. در افسانه‌ها و روایات سنتی ایرانی آن را اشکدان -ظرفی برای اشک- می‌دانند که در آن مایعات شور ریخته و نگهداری می‌گردد. داستان بدین شکل است که هنگامی که همسر پادشاهان قاجار- به یک سفر دور برای مدت‌زمان طولانی برای تجارت یا زیارت مکه می‌رود، اشکدان را در غیاب خود به همسرش می‌دهد تا وی عشق خود را به شوهرش اثبات کند» (Carboni et al., 2006, 71). بر این اساس از دوره قاجار این گروه از صراحی‌ها دارای کاربردی افسانه‌ای و عاشقانه گردید که به حتم دلیل نام‌گذاری آن بوده است.

متعلق به اواخر دوره صفوی و اکثراً دوران قاجار است. در دوره قاجار بهترین اشکدان‌ها از نظر کیفیت شیشه و فرم در شهر شیراز تولید می‌شد که اغلب نمونه‌های مورد مطالعه در این مقاله متعلق به شیراز در دوره قاجار است و در گنجینه موزه متروپولیتن نگهداری می‌شود.

با مطالعه آثار شیشه ایتالیا در قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی با مجموعه‌ای از آثار با عنوان کاترولف مواجه می‌شویم که مشابهت‌های فرمی آشکاری با اشکدان‌های ایرانی دارد. هم‌زمانی نمونه‌های یافت‌شده و شباهت‌های موجود در فرم اینان تبادل تکنیکی و فرمی در هنر شیشه‌گری ایران و ایتالیا را از دوره صفوی تأیید می‌نماید. با مطالعه آثار تاریخی می‌توان ادعا کرد فرم اشکدان تحت تأثیر واردات شیشه از ونیز و حضور شیشه‌گران ونیزی از فرم کاترولف‌های آلمانی و آنقسترهای ونیزی اقتباس شده و با قابلیت‌ها و شاخصه‌های هنر شیشه‌گری ایران نظیر روش‌های ساخت، رنگ و تزیین آمیخته شده و رنگ و بوی ایرانی به خود گرفته است. فرم کف، بدنه اصلی، رنگ و اندازه آن مشابهت‌های آشکاری با صراحی‌های هم‌عصر خود دارد که در قسمت گردن و دهانه آن تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که اشکدان‌ها نوعی صراحی هستند که از دوره صفوی تحت تأثیر آموزه شیشه‌گران ونیزی تغییراتی در بخش‌هایی از فرم آن داده شده و در دوره قاجار متداول شد. در دوره قاجار توجه اروپاییان قرار گرفت و به عنوان یکی از شاخص‌ترین فرم‌های شیشه ایرانی در موزه‌های بزرگ جهان نگهداری می‌شود. ساخت اشکدان‌ها همچنان در کارخانه‌های شیشه‌گری سنتی ایران متداول است.

اشکدان‌ها در دوره‌های تاریخی مختلف، حامل معانی کاربردی متفاوتی بوده‌اند؛ در دوره صفوی همچون صراحی ظرفی برای نگه‌داشتن مایعات (نظیر شراب و گلاب) یا گلدان، در دوره قاجار برای نمایش افسانه‌های عاشقانه اشک معشوق و در دوره‌های بعد به سبب نفوذ فرهنگ خرافه‌پرستی به‌عنوان ظرف اشکی برای نمایش وفاداری به دین مطرح می‌شود. نکته بسیار جالب اینکه در هیچ‌یک از دانشنامه‌ها، منابع تاریخی، کتب ادبی و اشعار تا دوره قاجار سخنی از واژه اشکدان به میان نیامده است.

با تحلیل محتوایی اشکدان می‌توان گفت؛ اشکدان فرمی متأثر از هنر شیشه ونیزی است که امروزه به عنوان نماینده هنر شیشه‌گری صفوی با کاربردی تزیینی شناخته شده و صرفاً عنوان نمادین اشکدان را بر اساس روایت‌های تاریخی و افسانه‌ای پذیرفته است. قابلیت‌های بصری و توانایی این فرم برای ارتباط با مخاطب ایرانی موجب گردید که در طول

غربی این ظروف را نوعی صراحی می‌دانند و آن را ظرفی برای نگهداری یا نوشیدن مایعات فرض می‌کنند. دو اشکدان پر از مایع بی‌رنگ در نگاره‌ای در همان دوره (تصویر ۳) مشاهده شده که مشخص می‌کند اشکدان‌ها نوعی صراحی هستند که برای نگهداری مایعات استفاده می‌گردید.

«در تصویر ۳ تنگی شبیه به اشکدان مشاهده می‌شود که در داخل آن یک گل مانند لاله‌دان‌های عثمانی در آن قرار دارد. این صراحی‌ها برای قرارگیری تک شاخه‌های پیچک مورد استفاده بوده است» (Carboni et al., 2006, 71). این نگاره متعلق به قرن شانزدهم میلادی و همزمان با حکومت صفویان در ایران است.

با توجه به این مستندات به یقین نمی‌توان کارکرد دقیقی برای فرم اشکدان تعریف نمود، در برخی منابع اشکدان را می‌توان صراحی و ظرف نگهداری مایعات و گلدان گل نامید و با توجه به منابع دیگر این فرم دارای کارکرد نمادین ظرف اشک است.

نتیجه‌گیری

با مطالعه ده نمونه از اشکدان‌های موجود در موزه متروپولیتن - که شاخص‌ترین نمونه‌های اشکدان در آن نگهداری می‌شود- به مطالعه چرایی و چگونگی فرم و کاربرد این نمونه‌ها پرداخته می‌شود.

از دوره صفوی با رواج رشد واردات آثار شیشه از ونیز به ایران و احیای هنر شیشه‌گری ایران توسط شاه‌عباس، ساخت صراحی‌های موسوم به اشکدان در شهرهای اصفهان و شیراز متداول شد. در سفرنامه‌ها و پژوهش‌های تاریخی به ساخت اشکدان‌ها از دوره صفوی به وفور اشاره شده است؛ در حالی که نمونه‌های موجود در موزه‌های ایران و جهان اغلب



تصویر ۳. تصویر اشکدان با کاربرد جای گل در نگاره‌ای از نسخه خطی رزم‌نامه متعلق به ۹۹-۱۵۹۸ میلادی. مأخذ: Carboni et al., 2006, 27.

- فریه، ر. دبلیو. (۱۳۷۴). *هنرهای ایران* (ترجمه پرویز مرزبان). تهران: فرزانه.
- فوکایی، شینجی. (۱۳۷۱). *شیشه ایرانی* (ترجمه آرمان شیشه‌گر). تهران: میراث فرهنگی.
- گلدشتاین، سیدنی. ام. (۱۳۸۷). *کارهای شیشه*. تهران: کارنگ.
- وولف، هانس. (۱۳۸۸). *صنایع دستی کهن ایران* (ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده). تهران: علمی و فرهنگی.
- هدایت، صادق. (۱۳۵۸). *توپ مرواری*. پاریس: ژنو.
- Alkhemir, S. (2014). *Light in art and science from the Islamic world*. USA: Ediciones El Viso America.
- Carboni, S., Lynn, M. D., Goldstein, S., Knudsen, S. & Page, J. (2006). *The art of glass*. London: Toledo museum of art.
- Charleston, R. J., Fisher, J. E., & Michael, J. (1990). *Masterpieces of glass: a world history from the Corning Museum of Glass*. NY: HN Abrams.
- Ekhtiar, M. (2011). *Masterpieces from the Department of Islamic art in the Metropolitan Museum of Art*. Metropolitan Museum of Art.
- FAÇON DE VENISE (n.d.). Retrived from <https://www.cmog.org/glass-dictionary/fa-de-venise>.
- Jenkins, M. (1986). *Islamic Glass: A Brief History*. The Metropolitan Museum of Art Bulletin, 44(2).
- Mariacher, G. (1959). *Le verre*. Geneve: Pierre Tisné.
- Page, J.A., Carboni, S. & Alcorn, E. (2006). *The Art of Glass: Toledo Museum of Art*. Toledo, Ohio and London.
- Ruth Hurst, V. (1975). *Glass*. London: connoisseur.
- Tait, H. (1991). *Five thousand years of Glass*. London: British Museum.

زمان به عنوان نماینده هنر شیشه ایرانی در اغلب موزه‌های جهان شناخته شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. اشکدان وسیله‌ای است که در گذشته افراد برای این‌که عشق خود را به محبوبشان نشان دهند در فراغ محبوبشان اشک‌های خود را در این ظروف می‌ریختند و برای ابراز عشق آنها به وی هدیه می‌کردند.
۲. Dale chihully
۳. Louise Comfort Tiffany
۴. Sydney Am Goldstein
۵. David Whitehouse
۶. Hugh Tait
۷. Shinji Fukaii
۸. Jean Chardin
۹. Hans Wolf
۱۰. R.W Friehe
۱۱. façon de Venise: شیشه‌ای که به تقلید از محصولات ونیزی، در مراکز دیگری غیر از خود ونیز ساخته می‌شود. آثار هنر شیشه ونیز ایتالیا در قرن ۱۶ و ۱۷ م. در بسیاری از مناطق اروپا محبوب بود. (شیوه/ به سبک ونیز)

فهرست منابع

- پوپ، آرتر آپم و اکرم، فیلیپس. (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز* (ترجمه نجف دریابندری). ج. ۶. تهران: علمی و فرهنگی.
- شاردن، ژان. (۱۳۳۶). *سیاحت‌نامه شاردن* (ترجمه محمد عباسی). ج. ۴. تهران: مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر.
- علی اکبرزاده کرد مهین، هلن. (۱۳۷۳). *شیشه؛ مجموعه مرز بازرگان*. تهران: موزه ملی ایران.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله: کریمی، عباس و خانپور، آرزو. (۱۴۰۰). مطالعه فرم و کاربرد صراحی‌های موسوم به اشکدان در مجموعه موزه متروپولیتن. *باغ نظر*، ۱۸(۱۰۳)، ۵-۱۶.

DOI:10.22034/bagh.2021.247039.4656
URL: http://www.bagh-sj.com/article_140737.html

